

مدل یابی موانع تحقق پذیری طرح های آمایش سرزمین استان تهران با رویکرد آینده پژوهی

بابک جعفریان^۱، رحیم سرور^۲، رضا برنا^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

چکیده

نوشتار حاضر به دلیل ایجاد درک و دانشی کاربردی برای مسئولان و مدیران استان تهران در زمینه شناسایی و سطح بندی موانع کلیدی بر تحقق پذیری طرح های آمایش سرزمین در استان تهران، از نظر هدف گذاری کاربردی و از منظر روش جمع آوری داده، توصیفی از نوع پیمایشی است. برای انجام این پژوهش با بررسی جامع و همچنین با استفاده از نظر خبرگان و متخصصان، ۲۲ عامل مؤثر با استفاده از روش تحلیل ساختاری آینده پژوهی از بین ۶۴ متغیر برای مدل یابی موانع مؤثر در تحقق پذیری طرح های آمایش سرزمین شناسایی شدند. سپس با استفاده از تکنیک تلفیقی مدل سازی ساختاری تفسیری و با استفاده از ابزار پرسشنامه، عوامل در هشت گروه سطح بندی شدند. در ادامه، پس از مشخص شدن سطوح هر یک از عوامل و همچنین با در نظر گرفتن ماتریس در دسترس پذیری نهایی، مدل نهایی ساختاری - تفسیری ترسیم شده است. بر اساس نتایج، عواملی مانند تعدد قوانین و مقررات در ارتباط با آمایش سرزمین، عدم وجود برنامه ریزی راهبردی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان، ضعف طرح و برنامه های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف استان، عدم حضور ذینفعان و ذی نفوذان در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی در بخش آمایش سرزمین، فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظام مند و نهادینه برای مدیریت سرزمین و روشن نبودن جایگاه طرح آمایش استان در نظام برنامه ریزی استان تهران جزو متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار بر عدم تحقق پذیری طرح های آمایش سرزمین در استان تهران به شمار می روند.

کلیدواژه‌گان: آمایش سرزمین، تحلیل ساختاری، مدل سازی ساختاری - تفسیری، تحلیل MICMAC، استان تهران.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،

b.jafarian4714@yahoo.com

۲- استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، sarvarh83@gmail.com

۳- دانشیار جغرافیای طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، bornareza@yahoo.com

مقدمه

برنامه‌ریزی برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب است و هدف آن توسعه و عمران است. برای رسیدن به وضع مطلوب در درجه اول باید شناخت دقیق و همه جانبه‌ای از وضعیت موجود به عمل آید زنجیر لنگر امر از طریق علم جغرافیا (توجه به گذشته، حال و پیش‌بینی آینده) و بر اساس یک نگرش سیستمی امکان‌پذیر خواهد بود (مومنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). به همین دلیل یکی از مهم‌ترین علل برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و طرح‌های آمایش سرزمین از بین بردن عدم توازن و تعادل‌های ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی است (تقوایی و رضائی، ۱۳۸۴: ۴۸). به نظر برخی از متفکران، موضوع اصلی آمایش سرزمین مدیریت کشور است (هانس، ۱۳۸۷: ۵ به نقل از خنیفر، ۱۳۸۹: ۶). به نظر می‌رسد که به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین برقراری تعادل بین عناصر سه گانه انسان، فضا و فعالیت است و سه مقوله مطرح در بحث آمایش سرزمین در ارتباط با این عناصر سه گانه هستند؛ بدین صورت که در رابطه با عنصر انسان مقوله «مدیریت» مطرح می‌شود، در رابطه با عنصر فضا مقوله «اقلیم» و در رابطه با عنصر فعالیت مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی» (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). آمایش سرزمین به عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه‌یافتگی سرزمین است. شکل‌گیری تفکر آمایش سرزمین در ایران به سال ۱۳۴۵ بر می‌گردد. در این سال، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران اقدام به انتشار گزارشی با عنوان "مسأله افزایش جمعیت تهران و نکاتی پیرامون سیاست عمران کشوری" نمود (توفیق، ۱۳۸۴: ۲). از برنامه چهارم به بعد که استراتژی‌های دراز مدت آمایشی مطرح شدند و تا به امروز ۷ برنامه عمرانی در سطح کشور به اجرا درآمده که به دنبال ارتقای سطح دانش، فرهنگ، بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمد، تامین اشتغال مولد، ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور، تهیه برنامه‌های میان مدت، ایجاد محورهای جدید توسعه، تدوین طرح پایه آمایش سرزمین، آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، توسعه اقتصاد رقابتی و تدوین سند ملی آمایش سرزمین بودند ولی همواره موانع جدی بیشماری در عملی نشدن بسیاری از اهداف این برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای وجود دارد (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۱-۴۵). با اینکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای از نظر جغرافیا و فضا، وجه مشترک فراوانی با آمایش سرزمین داشت (زیاری، ۱۳۷۸: ۳۳) و تجربه جهانی نیز حکایت از این واقعیت داشت که این دو (برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین) باید در کنار هم و بلکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در چارچوب آمایش سرزمین انجام پذیرد تا پدیده عدم تعادل فضایی بروز نکند (وردی‌نژاد و آشتیانی، ۱۳۸۷: ۴-۱۸). «بررسی سیر تحولات آمایش سرزمین طی سال‌های گذشته از این واقعیت حکایت دارد که موضوع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و عدم استفاده از قابلیت‌های سرزمینی و به عبارتی توسعه نیافتگی بخش‌های وسیعی از کشور همواره به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان چه قبل و چه بعد از انقلاب بوده است. به همین دلیل نیز طی سال‌های گذشته اقدامات گسترده چه در قالب طرح‌های مطالعاتی یا تدوین قوانین و مقررات صورت گرفت. اما به دلایل مختلف، این اقدامات عقیم مانده و کماکان موضوع آمایش سرزمین و توزیع عادلانه فعالیت‌ها و جمعیت در پهنه سرزمین در کانون توجهات برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کشور قرار گرفته است» (صالحی و پور اصغر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). «بخشی از موانع فراروی تحقق طرح‌های آمایش سرزمین در ایران بر موانع ساختاری متمرکز است» (سلطانی، ۱۳۹۲: ۷۷). بخشی دیگر، «اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه آمایشی در وضعیتی که سازوکارهای ایجاد هماهنگی‌های بخشی - منطقه‌ای یا هماهنگی‌های عمودی و افقی در سیاستگذاری توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی از کارآمدی مناسبی برخوردار نبوده‌اند نیز از دیگر عوامل نقض جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین محسوب می‌شوند» (حسین‌خان، ۱۳۸۸: ۱۳). جمعاً به دلیل نبود جریان فکری صحیح، مراکز تحقیقاتی مناسب، عدم آگاهی مجریان از اصول و فنون آمایش سرزمین، عدم تعادل جغرافیایی و جمعیتی در کل سرزمین بسیار گسترده شده است» (محمودی، ۱۳۸۸:

۱۷۸). و بخش عمده‌ای از این برنامه‌ها و طرح‌ها به سبب فقدان سازوکار نهادی متناسب در تهیه، اجرا، نظارت بر اجرا و بازنگری و گاه بررسی و تصویب، تنها به تولید گزارش و نقشه منتهی می‌شود. به کلام دیگر خلاء نهادی موجود سبب می‌شود تا امکان اجرایی کردن طرح‌ها و برنامه‌ها میسر نشود. طرح آمایش سرزمین نیز از این قاعده مستثنی نیست. به گونه‌ای که در تجربیات موجود تهیه این طرح در ایران، نحوه مدیریت اجرای طرح، منابع مالی و سازوکار نهادی متناسب با طرح به فراموشی سپرده شده است و همین مساله جزو مجموعه دلایلی است که سبب می‌شود تا تحقق این طرح‌ها و برنامه‌ها میسر نشود. در اینجا باید توجه کرد که سوابق نهادی موجود در زمینه آمایش سرزمین چون ایجاد مرکز ملی آمایش سرزمین و شورای آمایش سرزمین، دارای تناسب با حجم فعالیت‌ها و ماموریت‌های نظام آمایش سرزمین نیست.

طرح‌های آمایش استان تهران هم از این قاعده مستثنی نیست و در حال حاضر در عرصه تهیه طرح آمایش استان، مسایل عدیده‌ای مشاهده می‌شود که از بارزترین آن فقدان مشارکت عملی نهادهای دخیل و عناصر موثر در اداره استان، عدم مشارکت شهروندان در مراحل مختلف تهیه برنامه آمایش استان، عدم توجه به جنبه‌های نهادی مدیریت آمایش سرزمین و مدیریت آمایش استان، وجود ابهامات قانونی و خلاء نهادی قابل توجهی در زمینه مدیریت آمایش استان و مشخص نبودن پایه شکل‌گیری طرح آمایش استان و مراجع قانونی تهیه، تصویب، پایش، بازخورد و بازنگری و ... می‌باشند. بنابراین، با توجه به اهمیت و ضرورت اجرای طرح‌ها و مطالعات آمایش در استان تهران، در این پژوهش، به مدل‌یابی موانع تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران با رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشد. بنابراین، ضرورت و اهمیت بحث تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران بسیار حیاتی است؛ با توجه به اینکه آمایش سرزمین، مفهومی پیچیده و چند بُعدی می‌باشد واضح است، دست‌یابی به مدل مناسب آمایش سرزمین با توجه به کارکرد و نقش شهرها، مستلزم شناسایی عوامل تعیین‌کننده و اولویت‌بندی معیارها بر پایه روش‌های علمی است. این مقاله می‌کوشد برای نمونه استان تهران، ابعاد آمایش سرزمین را در قالب یک مدل تحلیلی ترکیبی و جامع نوین یعنی روش تحلیل ساختاری آینده‌پژوهی و مدل‌سازی ساختاری-تفسیری ارزیابی نماید.

پیشینه پژوهش

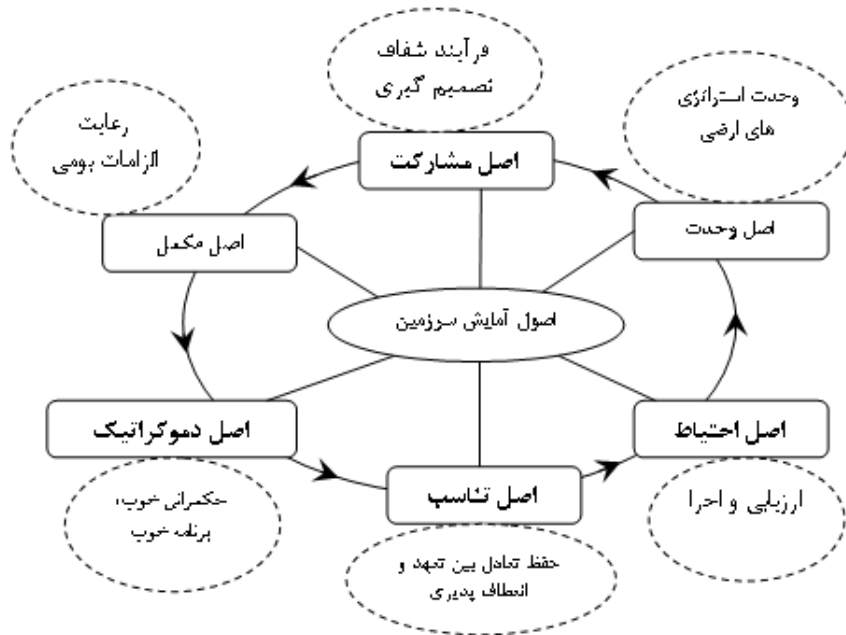
آمایش سرزمین از تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به وجود می‌آید (ضیاء توانا، ۱۳۸۳: ۳۱). بر این اساس «آمایش به عنوان یک رویکرد، برخوردار است فضایی که توانان از چهار ویژگی جامع‌نگری (جامعیت انضباط-های اساسی توسعه)، کل‌گرایی (رعایت سطح راهبردی مباحث)، دورنگری (التزام به افق زمانی مشخص) و نتیجه‌گیری فضایی یا جغرافیایی (در حد جهت‌گیری‌های کلی بدون تعیین‌های مکانی) برخوردار می‌باشد. براساس این ویژگی‌ها، آمایش سرزمین به عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه یافتگی سرزمین است» (وردی نژاد و آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۴). امروزه اگر در بیشتر کشورهای در حال توسعه و از جمله مملکت ما، سازماندهی فضایی با مشکلات فراوان روبه‌رو شده، به دلیل عدم شناخت علوم مرتبط با آن است» (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). چرا که طراحی برنامه‌های آمایش سرزمین، ضرورتی است که در چارچوب هدف‌ها و سیاست‌های کلی توسعه، سازماندهی فضای ملی را پایه‌گذاری می‌کند (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۰۲). در این راستا، سازماندهی فضای ملی باید با برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی رابطه تنگاتنگی داشته باشد، ابعاد فضایی سیاست بخشی را پررنگ نشان دهد و باید نشان دهد که سیاست‌ها در کجا با هم جور در می‌آیند و در کجا با هم تناسبی ندارند. همچنین این سازماندهی باید پویایی توسعه فضایی را بازتاب داده، گرایش‌ها و بلا تکلیفی‌ها را پررنگ نشان دهد. کلودپوس در سال ۱۹۵۰ نخستین تعریف از آمایش سرزمین را مطرح کرده است. او این تعریف را در مورد بستر جغرافیایی فرانسه به

کار برده است. این عنوان به سرعت در فرایند توسعه مقبولیت عام یافت به گونه‌ای که امروزه وظیفه تفکر در خصوص سازماندهی فضایی کشور چنانکه بر مبنای استعدادهای خاک، و تعداد جمعیت و فعالیت‌های نوین می‌تواند بر عهده تصمیم‌گیرنده جمعی باشد (صنیعی، ۱۳۹۰: ۱۷۰). در تهیه برنامه‌های فضایی برای سازماندهی فضای ملی، کشورهای گوناگون از الگوی یکسانی تبعیت نکرده‌اند. برای مثال در فرانسه داتار (نماینده‌ی دولت برای آمایش-سرزمین و اقدام‌های منطقه‌ای) تنها سازمان مطالعاتی نیست، بلکه برخی امور اجرایی مربوط به آمایش سرزمین را نیز در اختیار دارد. الگوی هلندی تهیه طرح‌های فضایی از طریق وزارت مسکن، برنامه‌ریزی فضایی و محیط زیست و تشکیلاتی وابسته بدان به نام سازمان ملی برنامه‌ریزی کالبدی/ فضایی انجام می‌گیرد. از وظایف مهم این سازمان به انجام رسانیدن مطالعات لازم برای تهیه متن مقدماتی برنامه آمایش سرزمین است. در عین حال این سازمان بر حسن اجرای قوانین آمایش سرزمین نظارت دارد (توفیق، ۱۳۸۴). در کشور فدرال آلمان بیشتر فعالیت‌های برنامه‌ریزی فضایی در لاندئا (ایالت‌ها) انجام می‌گیرد. در سطح دولت فدرال مسئولیت کلی آمایش سرزمین با وزارت فدرال ترابری، ساختمان و مسکن است. در جمهوری کره نیز مسئولیت تهیه طرح‌های فضایی با وزارت ساختمان و ترابری است. در ایران نیز وزارت مسکن و شهرسازی تصدی تهیه طرح‌های جامع سرزمین (کالبدی ملی و منطقه) را بر عهده دارد و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران هم برای رسیدگی و تصویب اینگونه طرح‌ها تعیین شده است. در کشورهای که برنامه‌های آمایش سرزمین از نوع کالبدی/ فضایی است، مهمترین ابزار اجرای برنامه‌های هریک از سطوح برنامه-ریزی (ملی، منطقه‌ای و محلی) رعایت رهنمودها و اصول و قواعد آن در برنامه‌های سطوح پایین‌تر، مستقیم یا نامستقیم است. گرچه هیچ مدل واحد ایده‌آلی از آمایش سرزمین وجود ندارد، اما برخی اصول بنیادی کلی وجود دارد که از چارچوب مفصل قانون و سیاست آمایش سرزمین پشتیبانی می‌کند. برنامه‌ریزی در ایران به معنای نوین آن از سال ۱۳۲۷ آغاز شد، اما بررسی اسناد و سوابق حاکی از آن است که قبل از این تاریخ در سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۲۶ تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که به دلایل مختلف این تلاش‌ها ناکام ماند (صنیعی، ۱۳۹۰: ۱۷۳). «پس از کودتای ۱۳۳۲، درآمدهای نفتی رفته رفته نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و... ایفا کردند» (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۱). «به طوری که بعدها، پیامد این فرایند و الگوی توسعه وابسته به درآمدهای نفتی، رشد ناموزون سکونتگاه‌های انسانی و تمرکز فعالیت‌ها و در مجموع تفاوت‌های فاحش برون منطقه‌ای درون منطقه‌ای بود» (صالحی و پوراصغر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). با اینکه از برنامه اول عمرانی ۱۳۳۴-۱۳۲۷ تا برنامه سوم ۱۳۴۶-۱۳۴۱ نظام برنامه اجرایی کشور از برنامه‌های اجرایی به سمت برنامه‌های جامع حرکت کرده است. اما در برنامه چهارم بود که به صراحت استفاده از برنامه‌های جامع ذکر شد و همین عامل باعث تغییر در برنامه‌ریزی گردید. در این برنامه برای نخستین بار به ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای پی برده شد. البته در برنامه عمرانی چهارم که اشاره به شتاب در توسعه اقتصادی داشت، عدم تعادل‌های منطقه‌ای نیز قابل مشاهده بود (صنیعی، ۱۳۹۰: ۱۷۳). از برنامه چهارم به بعد که استراتژی‌های دراز مدت آمایشی مطرح شدند و تا به امروز ۷ برنامه عمرانی در سطح کشور به اجرا درآمد که به دنبال ارتقای سطح دانش، فرهنگ، بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمد، تامین اشتغال مولد، ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور، تهیه برنامه‌های میان مدت، ایجاد محورهای جدید توسعه، تدوین طرح پایه آمایش سرزمین، آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، توسعه اقتصاد رقابتی و تدوین سند ملی آمایش سرزمین بودند ولی همواره موانع جدی بی‌شماری در عملی نشدن بسیاری از اهداف این برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای وجود دارد (رضایی، ۱۳۹۳: ۴۵-۵۱).

مبانی نظری پژوهش

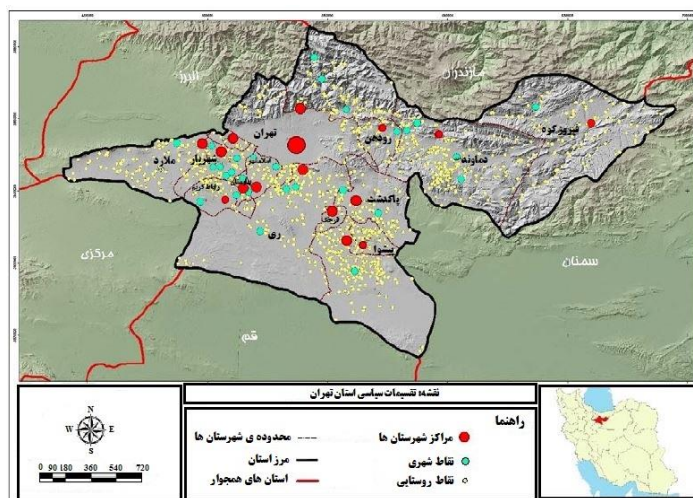
آمایش سرزمین از فنون توسعه است که در مراحل نخستین توسعه آن قرار دارد (صنّعی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). آمایش سرزمین از تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا به وجود می آید (ضیاء توانا، ۱۳۸۲: ۳۱). بر این اساس «آمایش به عنوان یک رویکرد، برخوردی است فضایی که توامان از چهار ویژگی جامع نگری (جامعیت انضباط های اساسی توسعه)، کل گرایی (رعایت سطح راهبردی مباحث)، دورنگری (التزام به افق زمانی مشخص) و نتیجه گیری فضایی یا جغرافیایی (در حد جهت گیری های کلی بدون تعیین های مکانی) برخوردار می باشد. بر اساس این ویژگی ها، آمایش سرزمین به عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه یافتگی سرزمین است» (وردی نژاد و آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۴). امروزه اگر در بیشتر کشورهای در حال توسعه و از جمله مملکت ما، سازماندهی فضایی با مشکلات فراوان روبه رو شده، به دلیل عدم شناخت علوم مرتبط با آن است» (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). چرا که طراحی برنامه های آمایش سرزمین، ضرورتی است که در چارچوب هدف ها و سیاست های کلی توسعه، سازماندهی فضای ملی را پایه گذاری می کند (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۰۲). حرکت کشورهای در حال توسعه در مسیر توسعه پایدار، مستلزم توجه به سطوح منطقه ای و محلی در برنامه ریزی توسعه است که در چارچوب نظام برنامه ریزی بخشی، به دلیل تمرکز گرایی، دستیابی به آن امکان پذیر نیست (استعلاجی، ۱۳۸۹: ۷۲).

آمایش سرزمین از نظریه های مختلفی همچون قطب رشد نظریه توسعه فضایی، عدالت فضایی، رشد و بهره وری، نظریه زیست منطقه گرایی و عدم تمرکز توزیع مکانی فعالیت ها بهره می گیرد و به اهداف توسعه منطقه ای، طراحی مطلوب سکونتگاه های انسانی، نظام متعادل شهر و روستا و فعالیت های همگن اقتصادی - اجتماعی توجه دارد (زیاری، ۱۳۸۸: ۴۱). یکی از مهمترین اصول در آمایش سرزمین، اصل تناسب است. این اصل بیان می کند که مسئله پایدار در هدایت توسعه فضایی، حفظ تعادل مناسب بین تعهد و انعطاف پذیری در سیاست است. هنگام تشویق به توسعه، تعهد در قالب سیاست های شفاف دارای مزیت بزرگی است زیرا می تواند به ایجاد اطمینان و کاهش ریسک برای سرمایه گذاران کمک کند. همچنین برای حراست از منابع محدود نظیر زمین کشاورزی با کیفیت حائز اهمیت است. از سوی دیگر سیاست آمایش سرزمین باید به اندازه کافی برای وفق یافتن با روندهای تکنولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی و نیز برانگیختن بدعت و ابتکار قابل انعطاف باشد. اصل تناسب به تسهیل قضاوت های مربوط به جایی که دستورالعمل ها باید متوقف شود و بصیرت بیشتری به شهروندان، توسعه دهندگان و تصمیم گیرندگان بومی اعطا شود کمک می کند. این اصل یعنی آنکه ضرورتی ندارد گره ای را که با دست باز می شود با دندان باز نمود. به عبارت دیگر وسیله باید با هدف متناسب باشد. آمایش سرزمین باید به ابتکار و بصیرت کمک کند نه آنکه به طرفداری ساده از اقدامات بیش از حد تجویزی و احتمالاً ناکارآمد بپردازد. آمایش سرزمین باید از یک نگرش حداقل گرا پیروی کرده، در اولویت قرار دادن موضوعاتی را که دارای بیشترین نیاز به توجه مبرم هستند میسر سازد. این کار به معنای آن است که در برخی موارد مانند حفاظت از دارایی های زیست محیطی آسیب پذیر ملی، استفاده از رهنمودهای محکم و غیر قابل مذاکره لازم است. هرچند در بیشتر موارد این کار به نگرشی منتهی می گردد که انعطاف پذیری بیشتری هنگام رسیدگی به طرح هایی که ممکن است پیش بینی نشده باشند اما می توانند با نیازهای آن موقعیت مطابقت کنند، فراهم می آورد. در این سناریو، سیاست های مبتنی بر معیار بسیار بیشتر از منطقه بندی انعطاف ناپذیر مهم می شوند. سیاست های برنامه ریزی بر پیامدهای مطلوب و معیاری که به واسطه آن مورد قضاوت قرار می گیرند تمرکز بیشتری دارند نه آنکه بکوشند تا راه حل هایی ارائه کنند.



نمودار ۱: اصول آمایش سرزمین، سرور و موسوی، ۱۳۹۵.

در حال حاضر براساس نتایج کلی سرشماری سال ۱۳۹۵ طبق این نتایج جمعیت کشور ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر و جمعیت استان تهران ۱۳۲۶۷۳۶۷ نفر بوده است که نشان دهنده رشد متوسط سالانه جمعیت کشور در تهران فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در حدود ۱/۲۴ و استان تهران ۱/۷۲ می‌باشد. به عبارت دیگر استان تهران هنوز هم رشد بسیار بیشتری از کشور داشته و با توجه به رشد طبیعی جمعیت، کماکان مهاجرپذیر می‌باشد. طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ در مجموع ۱۰۸۳۷۴۶ نفر به جمعیت استان افزوده شده است بدین معنا که به طور متوسط سالانه بیش از ۲۱۶ هزار نفر به جمعیت استان افزوده شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در حالیکه استان تهران تنها ۱/۸ درصد از مساحت کشور را تشکیل می‌دهد، ۱۶/۶ درصد از جمعیت کشور در استان تهران ساکن هستند. همچنین ۲۱/۱ درصد از جمعیت شهری کشور در استان تهران زندگی می‌کنند که نشانگر تراکم بالای جمعیت در استان می‌باشد. تنها ۳/۹ درصد از جمعیت روستایی کشور در استان زندگی می‌کنند که خود بیانگر شهرنشینی بالا در استان می‌باشد. (شکل ۱).



شکل ۱: تقسیمات سیاسی استان تهران، ترسیم: نگارندگان.

مواد و روش

پژوهش حاضر از نظر روش شناختی با توجه به اهداف موضوع از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش توصیفی-پیمایشی است. داده‌های لازم برای یک طرح پژوهشی را می‌توان هم از روش‌های کتابخانه‌ای و بررسی متون و هم از روش‌های میدانی مانند پرسشنامه، مصاحبه و ... گردآوری کرد. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات در زمینه ادبیات پژوهش و پیشینه آن، از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. با توجه به گسترده بودن متغیرهای احصاء شده برای انجام این پژوهش از روش‌های تحلیل ساختاری آینده‌پژوهی و مدل‌سازی ساختاری-تفسیری و از نظرات خبره دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه مورد مطالعه و مراکز پژوهشی در قالب تکنیک دلفی استفاده خواهد شد. در این پژوهش ابزار جمع‌آوری داده‌ها به صورت مصاحبه و پرسشنامه دوه‌دویی است و برای سنجش و ارزیابی روایی پرسشنامه و یا هر ابزار سنجشی، از ملاک روایی صوری استفاده می‌شود. روش تحلیل ساختاری، دلفی و نیز روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری ایجاب می‌کند که اطلاعات از خبرگان و متخصصان دریافت و تحلیل شود. برای انتخاب تیم دلفی و تیم ISM چون هدف تعمیم نتایج نیست، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده خواهد شد. معیارهای انتخاب خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش می‌باشد. تعداد خبرگان شرکت کننده در ISM مقالات بررسی شده معمولاً بین ۱۴ الی ۲۰ نفر انتخاب شده است (Hachicha & Elmsalmi, 2013; Faisal et al., 2010; Lee et al., 2010; Pandey & Garg, 2009; Ramesh, et al., 2008; Charan et al., 2008). با توجه به معیارهای فوق، در نهایت تعداد ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، برای شرکت و همکاری در فرآیند پژوهش خواهد شد.

بحث و یافته‌ها

بر اساس مباحث مطرح شده در بخش مبانی نظری و روش دلفی، برای شناسایی و تحلیل موانع موثر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین استان، مهم‌ترین متغیرهای موثر در اجرای برنامه ریزی آمایش سرزمین در استان تهران جمع بندی گردید. از میان جمیع موارد مطرح شده در دور اول، پس از ترکیب هم پوشانی‌ها، حذف موارد بی ارتباط و مبهم و انجام اصلاحات لازم، در نهایت ۶۴ متغیر تأثیرگذار بر ظرفیت‌سنجی و آسیب‌شناسی تحقق طرح‌های آمایشی در استان استخراج شد. در این مرحله دسته بندی عوامل نیز صورت گرفت. در نتیجه پایش متغیرها، تعداد متغیرهای اقتصادی ۱۱ مورد، اجتماعی ۱۱ مورد، جغرافیایی ۷ مورد، اجرایی ۶ مورد، نهادی ۱۴ مورد و مدیریتی و قانونی ۱۵ مورد بودند (جدول ۱). با توجه به گسترده بودن متغیرهای این پژوهش در مرحله اول با استفاده از روش تحلیل ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار میک مک اقدام به شناسایی متغیرهای تأثیرگذار برای مدل‌یابی موانع تحقق-پذیری طرح‌های آمایش سرزمین شد.

جدول ۱: دسته بندی متغیرهای تأثیرگذار در رویکرد اجرای آمایش در استان تهران

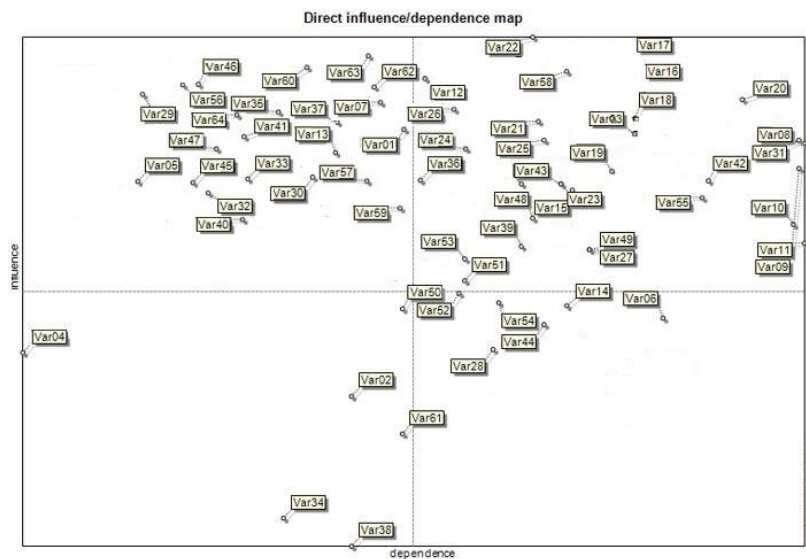
ابعاد کلی	ابعاد فرعی
اقتصادی	تعامل ناصحیح انسان با محیط با تاکید بر مصرف‌گرایی؛ عدم سازگاری سرمایه‌گذاری‌ها با شرایط استان از دید سرزمینی؛ عدم هماهنگی بین بخش‌های اقتصادی در عرصه سرزمین استان؛ سیاسی بودن مکان‌یابی فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی؛ گاه بودجه‌ای به برنامه‌ها در دستگاه‌های اجرایی و بخش‌ها؛ عدم پیوستگی و ارتباط منطقی بین طرح‌های عمرانی در سطح استان، رشد اندک بخش تعاونی و تشکلهای اقتصادی مردمی، حاکمیت متغیرهای اقتصاد خرد در بهره‌گیری از فضا، نبود نگرش اقتصادی صحیح برای توسعه فعالیت‌های گردشگری، تأثیر فعالیت‌های اقتصادی استان (کشاورزی، صنعت و خدمات) از تصمیمات سیاسی و اقتصادی کلان ملی، تأثیر فعالیت‌های اقتصادی استان (کشاورزی، صنعت و خدمات) از تصمیمات سیاسی و اقتصادی کلان ملی

اجتماعی	<p>عدم توازن در مقیاس جمعیتی شهرهای استان، فقدان سیاست‌های لازم در مورد چگونگی توزیع متعادل جمعیت در استان تمرکز شدید جمعیت و فعالیت در ناحیه مرکزی استان؛ نگاه استانی به سازماندهی سلسله مراتب سکونتگاه‌های شهری به جای نگاه کلان منطقه‌ای به پهنه‌های سرزمینی؛ وجود نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده فاقد شغل در استان؛ بیکاری بالای جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، ساماندهی نامطلوب نظام اسکان جمعیت در پهنه استان؛ عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی در استان؛ مهاجرت‌های بی‌رویه به استان؛ محدودیت مشارکت مردم در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ها؛ ضعف بنیادهای مشارکتی و نهادهای مدنی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی</p>
جغرافیایی	<p>زلزله خیزی و وجود گسل‌های فعال در نقاط استقرار جمعیت با بالاترین تراکم در کشور؛ محدودیت منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی و بهره‌برداری نامناسب از آن، عدم توجه به بومی کردن آمایش سرزمین با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی متفاوت مناطق، بحرانی‌بودن شرایط زیست محیطی (آب، خاک، هوا و ...) و آلودگی شدید محیط‌زیست، گسترش روزافزون تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات و تصرف حریم رودخانه‌ها، ضعف پوشش گیاهی و کافی‌نبودن عملیات آبخیزداری و شوری و تخریب خاک</p>
اجرایی	<p>تعطل در اجرای قوانین مصوب فارغ از آمایش سرزمین؛ فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین؛ فقدان ساختار و تشکیلات اجرایی مناسب برای انجام فعالیت‌های آمایش سرزمین؛ عدم وجود ضمانت‌اجرائی کافی برای مصوبات اجرایی مربوط به آمایش سرزمین؛ ضعف نهادهای اجرایی، فشار سیاسی مقامات استانی برای اجرای طرح‌های عمرانی فاقد توجیه اقتصادی، فنی و آمایشی؛ روشن نبودن ساز و کار هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ها و تبعیت طرح‌های پایین دست و محلی از طرح‌های بالادست</p>
نهادی	<p>سستی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی، عدم اجرای موفق و فقدان سندهای فرادست کارآمد، باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار، ضعف ساختاری رشته‌های اصلی ذی‌مدخل در آمایش سرزمین در طرح و ارتقای سطح گفت‌وگو آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری محدود در استراتژی‌های طرح‌های آمایشی؛ فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت سرزمین؛ نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت سرزمین؛ فقدان منابع علمی به روز و کارهای پژوهشی عمیق در حوزه‌های برنامه‌ریزی آمایشی؛ فقدان درک مشترک از مفهوم توسعه در طرح‌های آمایشی؛ فقدان عزم و اراده کافی در به‌کاربردن نتایج مطالعات آمایش سرزمین در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه؛ عدم حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین، عدم وجود اختیار نهادهای تدوین مقررات در جهت آمایش سرزمین استان، عدم وجود برنامه‌ریزی راهبردی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان عدم پاسخگویی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان.</p>
مدیریتی و قانونی	<p>ضعف جایگاه قانونی و فقدان سلسله‌مراتب پیوسته برنامه‌ها و طرح‌ها، نبود مدیریت یکپارچه شهری و منطقه‌ای، عدم حضور تمامی نهادهای دخیل و عناصر موثر در تهیه طرح آمایش استان، فقدان سند یا آیین‌نامه قانونی تبیین‌کننده جایگاه و نحوه تدوین، تصویب و بازنگری طرح آمایش استان، مبتنی بودن نظام تخصیص بر چانه‌زنی‌های مدیریتی بجای نگاه آمایشی، ۵۵ تاکید بیش از حد برنامه‌های آمایشی بر آبادی مکان بجای رفاه و امنیت انسان، قطعی شدن توسعه به مرکزیت کلانشهر تهران و تثبیت وضع موجود به عنوان تصویری عادی از فرایند توسعه فضایی، نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه‌های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته‌ای از آمایش سرزمین، وجود تعدد برداشت از مفهوم و رسالت آمایش سرزمین بین متولیان امر آمایش سرزمین در استان، عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات، ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف استان، تقلیل‌گرایی آمایش سرزمین به یکسری طرح‌های توصیه‌ای بدون پشتوانه‌های نهادی و قانونی محکم، عدم تناسب قوانین و مقررات ملی مداخله با شرایط محلی در آمایش سرزمین، تعدد قوانین و مقررات در ارتباط با آمایش سرزمین، روشن نبودن جایگاه طرح آمایش استان در نظام برنامه‌ریزی استان تهران.</p>

منبع: مطالعات کتابخانه‌ای نگارندگان، ۱۳۹۷.

- شناسایی موانع موثر بر تحقق پذیری طرح های آمایش در استان تهران

همان طور که مطرح شد ۲۲ عامل به عنوان موانع مؤثر بر رویکرد اجرای برنامه ریزی آمایش سرزمین استان تهران شناسایی و با نرم افزار میک مک جهت استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر رویکرد اجرای برنامه ریزی آمایش سرزمین مورد تحلیل قرار گرفتند. ابعاد ماتریس ۶۴*۶۴ است که در ۶ بخش مختلف تنظیم شده است. درجه پرشدگی ماتریس ۹۴/۰۲ درصد است که نشان می دهد عوامل انتخاب شده تأثیر زیاد و پراکنده ای بر همدیگر داشته اند و در واقع سیستم از وضعیت ناپایداری برخوردار بوده است. از مجموع ۳۹۴۶ متغیر قابل ارزیابی در این ماتریس، ۱۷۸ رابطه عدد صفر بوده که به این معنی است عوامل بر همدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته اند. از طرف دیگر ماتریس بر اساس شاخص های آماری با ۲ بار چرخش داده ای از مطلوبیت و بهینه شدگی ۹۹ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ های آن است (جدول ۱ و نمودار ۲).



نمودار ۲: موقعیت و وضعیت موانع موثر بر تحقق پذیری طرح های آمایش در استان تهران

جدول ۲: موانع تأثیرگذار بر تحقق پذیری طرح های آمایش سرزمین در استان تهران

علامت	شاخص ها	علامت	شاخص ها
c1	تعدد قوانین و مقررات در ارتباط با آمایش سرزمین	c12	رشد اندک بخش تعاونی و تشکل های اقتصادی مردمی
c2	نگاه بودجه ای به برنامه ها در دستگاه های اجرایی و بخش ها	c13	تعامل ناصحیح انسان با محیط با تاکید بر مصرف گرایی
c3	عدم وجود برنامه ریزی راهبردی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان	c14	روشن نبودن جایگاه طرح آمایش استان در نظام برنامه ریزی استان تهران
c4	ضعف طرح و برنامه های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف استان	C15	فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت سرزمین
c5	فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین	C16	عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه ها و تصمیمات
c6	فقدان سیاست های لازم در مورد چگونگی توزیع متعادل جمعیت در استان	C17	سستی بودن نظام برنامه ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی
c7	تعطل در اجرای قوانین مصوب فارغ از آمایش سرزمین	C18	ضعف نهادهای اجرایی، فشار سیاسی مقامات استانی برای اجرای طرح های عمرانی فاقد توجیه اقتصادی فنی و آمایشی

نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت سرزمین	C19	قطبی شدن توسعه به مرکزیت کلانشهر تهران و تثبیت وضع موجود به عنوان تصویری عادی از فرایند توسعه فضایی	c8
عدم وجود ضمانت اجرایی کافی برای مصوبات اجرایی مربوط به آمایش سرزمین	C20	نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته ای از آمایش سرزمین	c9
عدم وجود اختیار نهادهای تدوین مقررات در جهت آمایش سرزمین استان	C21	عدم حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین	c10
باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار	C22	عدم تناسب قوانین و مقررات ملی مداخله با شرایط محلی در آمایش سرزمین	c11

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷.

- ماتریس خود تعاملی ساختاری^۱ (SSIM)

پس از شناسایی موانع تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین، این عوامل در ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM) وارد شده است. برای این منظور، ابتدا پرسشنامه‌ای طراحی شد که ساختار کلی آن همانند جدول شماره (۱) است. در این جدول (۱) بیست‌ودو فاکتور انتخاب شده در سطر و ستون اول جدول از پاسخ‌دهندگان خواسته شده که نوع ارتباطات دویه‌دویی عوامل را مشخص کنند. ماتریس خودتعاملی با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شد، و توسط خبرگان و متخصصان تکمیل شده است.

جدول شماره ۳: ماتریس خود تعاملی ساختاری

C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20	C21	C22	I
V	V	O	O	V	O	O	X	V	V	X	V	X	O	X	O	X	X	V	A	V	-	-
V	V	X	V	O	O	O	O	V	A	O	V	O	O	X	O	V	O	A	V	-	-	-
O	V	V	V	V	V	X	A	X	V	X	X	X	O	X	O	V	A	X	-	-	-	-
V	V	V	V	X	X	X	X	X	X	V	O	X	O	X	O	X	O	-	-	-	-	-
O	V	O	V	X	X	X	O	O	O	O	X	O	O	O	X	X	-	-	-	-	-	-
A	X	X	X	X	X	O	O	O	X	O	X	X	O	X	X	-	-	-	-	-	-	-
X	X	O	X	O	X	X	X	O	O	O	X	O	O	O	-	-	-	-	-	-	-	-
X	V	V	X	X	O	A	X	X	V	V	O	X	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-
V	O	X	X	X	X	X	V	X	O	O	X	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
V	X	V	V	X	V	V	O	X	V	O	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
O	O	O	O	V	V	A	A	X	X	A	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
O	O	X	O	V	X	A	O	X	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
O	O	O	O	O	O	O	A	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
V	V	V	V	O	V	X	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
V	X	X	X	V	X	V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
X	X	X	X	X	V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
X	V	X	O	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
O	X	X	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
V	V	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
X	X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
X	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

-ماتریس دسترسی اولیه^۲

ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی (صفر-یک) حاصل شده است. برای استخراج ماتریس دسترسی، باید در هر سطر عدد یک جایگزین علامت‌های **V** و **X** و عدد صفر جایگزین علامت‌های **A** و **O** در ماتریس دسترسی اولیه شود. حاصل تبدیل تمام سطرها، تشکیل ماتریس دسترسی اولیه

۱. Structural Self – Interaction Matrix

۲. Initial reachability matrix.

است (جدول ۲). سپس روابط ثانویه بین بعد/ شاخص ها کنترل شده است. رابطه ثانویه به گونه ای است که اگر بعد J منجر به بعد I شود و بعد به K منجر شود، پس بعد J منجر به بعد K خواهد شد. با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک، بر حسب قواعد زیر می توان به ماتریس دست پیدا کرد.

جدول ۴: ماتریس دسترسی اولیه

قدرت نفوذ	C22	C20	C20	C19	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	J	I
۱۴	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	-	C1	
۹	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	-	۱	-	C2	
۱۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	-	۱	۱	C3	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	-	۱	۰	۰	C4	
۱۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	-	۱	۱	۱	۰	C5	
۱۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	-	۱	۰	۱	۰	۱	C6	
۱۲	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	-	۰	۱	۱	۱	۱	۱	C7	
۱۴	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	-	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	C8	
۹	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	-	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C9	
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C10	
۸	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	-	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	C11	
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C12	
۱۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	-	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	C13	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	C14	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	C15	
۱۴	۱	۱	۱	۱	۰	۱	-	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C16	
۹	۱	۰	۱	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	C17	
۱۱	۰	۱	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	C18	
۱۰	۰	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C19	
۳	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	C20	
۵	۱	-	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C21	
۶	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C22	
-	۶	۱۳	۱۵	۱۳	۱۳	۱۴	۱۵	۱۰	۴	۱۱	۱۱	۵	۱۱	۱۱	۶	۱۱	۱۲	۸	۸	۱۰	۸	۶	وابستگی	

منبع: یافته های پژوهش

ماتریس دسترسی نهایی^۱

در این مرحله، کلیه روابط ثانویه بین متغیرها بررسی شده و ماتریس دسترسی نهایی مطابق جدول (۴) به دست آمده است. در این ماتریس، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر نشان داده شده است. قدرت نفوذ هر متغیر عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی (شامل خودش) که می تواند در ایجاد آن ها نقش داشته باشد. میزان وابستگی عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی که موجب ایجاد متغیر مذکور می شود.

جدول ۵: ماتریس دسترسی نهایی

قارت نمود	C22	C20	C20	C19	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	J	I
۱۴	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	-	C1	
۹	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	-	C2	
۱۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	-	۱	C3	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	-	۱	۰	C4	
۱۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	-	۱	۱	۱	۰	C5	
۱۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	-	۱	۰	۱	۰	۱	C6	
۱۲	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	-	۰	۱	۱	۱	۱	۱	C7	
۱۴	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	-	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	C8	
۹	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	-	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C9	
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C10	
۸	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	-	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	C11	
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	-	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C12	
۱۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	-	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	C13	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	C14	
۱۳	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	C15	
۱۴	۱	۱	۱	۱	۰	۱	-	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C16	
۹	۱	۰	۱	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	C17	
۱۱	۰	۱	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	C18	
۱۰	۰	۱	۱	-	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	C19	
۳	۱	۱	-	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	C20	
۵	۱	-	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C21	
۶	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C22	
																							۳	

- سطح‌بندی موانع تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران - در این پژوهش سطوح شش‌گانه متغیرها در جدول زیر به‌دست آمده که نتیجه نهایی آنها در جدول زیر جمع‌بندی شده است. موانع تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً یکسان باشد، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرد.

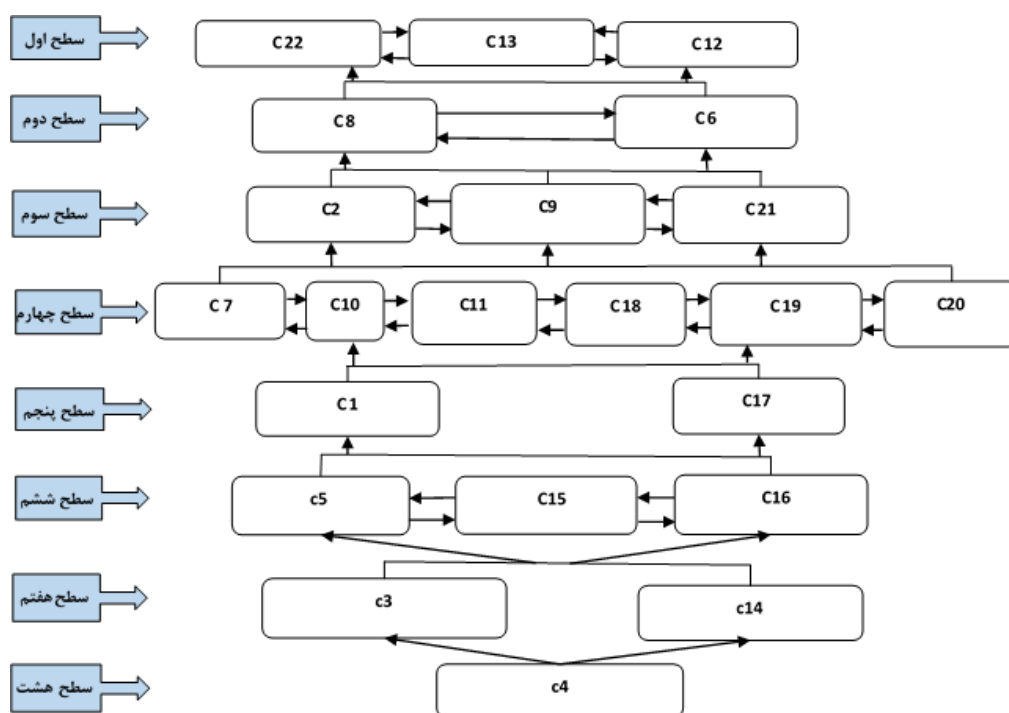
جدول ۶: سطح‌بندی موانع تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
C1	۲۰۴ و ۵۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲	۱۰ و ۵ و ۶ و ۳	۶ و ۵ و ۶ و ۱۰	پنجم
C2	۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۲ و ۴ و ۸ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۰	۲۰	سوم
C3	۲ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱	۲ و ۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶	۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶	هفتم
C4	۲ و ۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۱۰ و ۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸	۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸	هشتم
C5	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۰	۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۸	ششم
C6	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۱	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۷	۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۷	دوم

چهارم	او ۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱	او ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	او ۲ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱	C7
دوم	۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲	۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲	۲۲ و ۲۱ و ۱۹ و ۱۷ و ۱۵ و ۱۱	C8
سوم	۱۱ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹	۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹	۲ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹	C9
چهارم	۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰	۱۱ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰	۲۰ و ۲۱ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	C10
چهارم	۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۴	۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰	۱۸ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۳ و ۹ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	C11
اول	۳ و ۱۷ و ۱۴	۳ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷	۳ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۸	C12
اول	۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶	۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	C13
هفتم	۴ و ۱۱ و ۱۴	۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۲ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۱	C14
ششم	۴ و ۷ و ۸ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱	۴ و ۷ و ۸ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۲ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۶ و ۱۳ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	C15
ششم	۳ و ۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۳ و ۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۳ و ۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	C16
پنجم	۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	C17
چهارم	۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۹ و ۲۰	۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱	۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	C18
چهارم	۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۰	۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	C19
چهارم	۲ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱	۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۲ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲	C20
سوم	۷ و ۱۰ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۲	۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۷ و ۱۰ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۲	C21
اول	۷ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۱	۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲	۷ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۱	C22

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق نتایج جدول شماره (۵) موانع تاثیرگذار بر تحقق پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران، به هشت سطح طبقه‌بندی شده است. در شکل زیر روابط متقابل و تاثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف نمایان است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. دیاگرام نهایی بر اساس سطوح به دست آمده در گام قبلی و طبق ماتریس دستیابی نهایی ترسیم می‌گردد. با توجه به سطوح هر یک از معیارها و همچنین ماتریس دسترس پذیری نهایی، مدل اولیه ساختاری تفسیری با در نظر گرفتن انتقال پذیری‌ها رسم می‌شود. (شکل ۲).

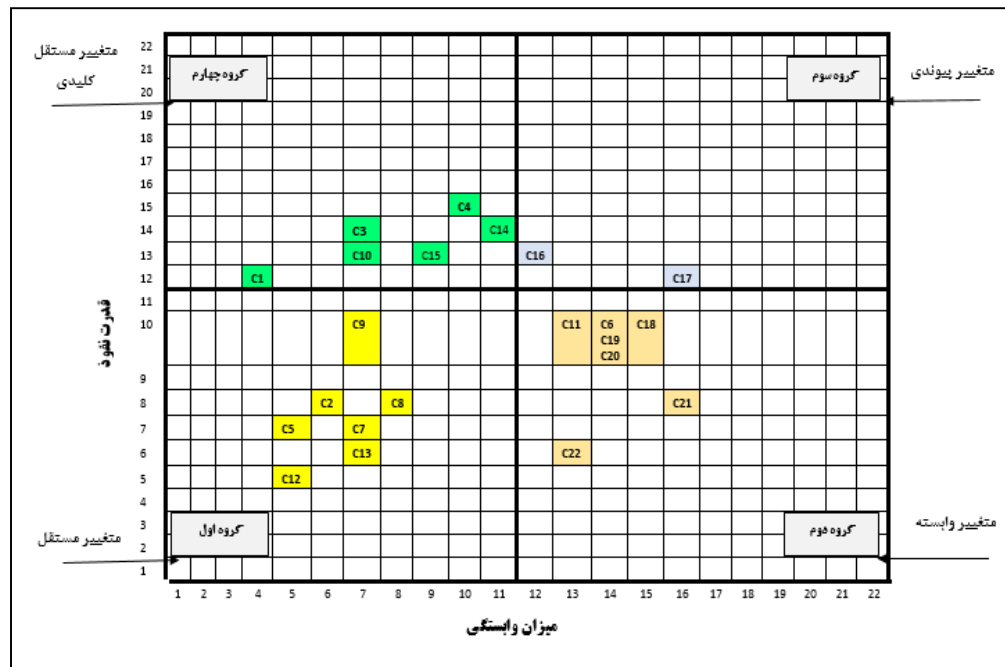


شکل ۲: مدل ساختاری - تفسیری موانع تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران، منبع: یافته‌های پژوهش

در این مرحله با استفاده از روش MICMAC نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شده است. پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی عوامل، می‌توان تمامی موانع تاثیرگذار بر تحقق-پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها طبقه-بندی کرد. اولین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) است که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم متغیرهای وابسته^۱ هستند که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی بالایی برخوردارند. گروه سوم، متغیرهای پیوندی^۲ می‌باشند که از قدرت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند. در واقع هر گونه عملی بر روی این شاخص متغیرها باعث تغییر سایر شاخص‌ها می‌شود. گروه چهارم متغیرهای مستقل (کلیدی)^۳ را در برمی‌گیرد. این متغیرها دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی هستند. همان‌طور که در شکل شماره (۱) ملاحظه می‌شود، متغیرهای فقدان سیاست‌های لازم در مورد چگونگی توزیع متعادل جمعیت در استان (۶)، عدم تناسب قوانین و مقررات ملی مداخله با شرایط محلی در آمایش سرزمین (۱۱)، ضعف نهادهای اجرایی، فشار سیاسی مقامات استانی برای اجرای طرح‌های عمرانی فاقد توجه اقتصادی فنی و آمایشی (۱۸)، نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت سرزمین (۱۹)، باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار (۲۲)، عدم وجود ضمانت اجرایی کافی برای مصوبات اجرایی مربوط به آمایش سرزمین (۲۰) و عدم وجود اختیار نهادها در تدوین مقررات در جهت آمایش سرزمین استان (۲۱)، بیشتر تحت تاثیر سایر عوامل بوده و از نظر سیستمی جزء عناصر اثرپذیر و وابسته هستند. به عبارت دیگر، در ایجاد این متغیر عوامل

1. Dependent variables
2. Linkage variables
3. Autonomous variables

زیادی دخالت دارند و خود آن‌ها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. متغیرهایی هم‌چون نگاه بودجه ای به برنامه ها در دستگاه های اجرایی و بخش ها (۲)، فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین (۵) تعلل در اجرای قوانین مصوب فارغ از آمایش سرزمین (۷)، قطبی شدن توسعه به مرکزیت کلانشهر تهران و تثبیت وضع موجود به عنوان تصویری عادی از فرایند توسعه فضایی (۸)، نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته ایی از آمایش سرزمین (۹)، رشد اندک بخش تعاونی و تشکل‌های اقتصادی مردمی (۱۲) و تعامل ناصحیح انسان با محیط با تاکید بر مصرف‌گرایی (۱۳) در گروه متغیرهای مستقل (خودمختار) قرار گرفته‌اند که دارای قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف هستند. این متغیرها نسبتاً غیرمتصل به سیستم هستند؛ و از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی- برخوردارند. متغیرهای تعدد قوانین و مقررات در ارتباط با آمایش سرزمین (۱)، عدم وجود برنامه‌ریزی راهبردی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان (۳) و ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف استان (۴)، عدم حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین (۱۰) فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت سرزمین (۱۵) و روشن نبودن جایگاه طرح آمایش استان در نظام برنامه‌ریزی استان تهران (۱۴) جزو متغیرهای مانع و تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران به‌شمار می‌روند. این متغیرها تاثیر بسیار زیادی بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران دارند و از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند. اصولاً متغیرهایی که قدرت نفوذ بالایی دارند، اصطلاحاً متغیرهای کلیدی خوانده می‌شوند. واضح است که این متغیرها در یکی از دو گروه متغیرهای مستقل یا پیوندی جای می‌گیرند. متغیرهای عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات (۱۶) و سستی بودن نظام برنامه ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی (۱۷) جزو متغیرهای پیوندی می‌باشد و از قدرت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردار است. در واقع هرگونه عملی بر روی این متغیر باعث تغییر سایر متغیرها می‌شود.



شکل ۳: خوشه‌بندی موانع تاثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران با استفاده از روش MICMAC

نتیجه‌گیری

تغییر در نظام مدیریت آمایش در سطوح ملی و استانی در راستای رفع موانع و تنگناهای اسناد آمایش سرزمین، مستلزم پیگیری سیاست‌های تمرکززدایی جهت رسیدن به تعادل‌های منطقه‌ای و واگذاری اختیارات به نظام مدیریت محلی، افزایش سطح مشارکت مردم و سازوکارهای منطقه‌گرایی در ایران است. در این راستا جهت رفع موانع و تنگناهای آمایش سرزمین در استان تهران، بررسی مؤلفه‌های مختلف شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، نهادی و مدیریتی - اجرایی برگرفته از دیدگاه‌های کارشناسان اجرایی طرح‌های آمایش سرزمین بسیار بااهمیت است. هدف از این پژوهش بررسی موانع تأثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران است. شناسایی موانع تأثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران نیازمند یافتن شاخص‌های اصلی و اثرگذار و برقراری ارتباط بین آن‌ها است. نتایج این نوشتار حاکی از آن بود متغیرهای تعدد قوانین و مقررات در ارتباط با آمایش سرزمین (۱)، عدم وجود برنامه‌ریزی راهبردی نهادی در ارتباط با آمایش سرزمین استان (۳) و ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه‌شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف استان (۴)، عدم حضور ذینفعان و ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین (۱۰) فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت سرزمین (۱۵) و روشن نبودن جایگاه طرح آمایش استان در نظام برنامه‌ریزی استان تهران (۱۴) جزو متغیرهای مانع و تأثیرگذار بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران به شمار می‌روند. این متغیرها تأثیر بسیار زیادی بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین در استان تهران دارند و از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند. با این نتایج، شناخت نابرابری‌ها و بی‌تعادلی‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی استان تهران و در نتیجه پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها از وظایف اساسی متولیان توسعه مناطق استانی در قالب طرح‌های آمایش سرزمین به شمار می‌آید. یکی از شاخص‌های اقتصادی و معیارهای توسعه‌یافتگی، میزان انطباق برنامه‌های اجرایی با مبانی و مطالعات جامع آمایش سرزمین است. اگر برنامه‌های اجرایی و عملیاتی سازمان‌ها بر اساس مؤلفه‌های آمایش سرزمین تنظیم شده باشد، جهت‌گیری‌های پیشرفت و توسعه را نیز به دنبال دارد. اگر به ویژگی‌ها و ماهیت آمایش سرزمین که جامع‌نگری است و اگر به اهداف آمایش سرزمین که در توسعه متوازن و توسعه عادلانه و استفاده بهینه از منابع خلاصه می‌شود، توجه کنیم، نقش مهم آمایش سرزمین در توسعه و پیشرفت به‌خوبی قابل تبیین است. با بررسی تاریخچه شکل‌گیری مکاتب آمایش سرزمین، مشاهده می‌شود که علل شکل‌گیری مکاتب فوق، حاصل بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است و برای حل بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از اهرم آمایش سرزمین بهره گرفته‌اند. با توجه به ماهیت آمایش سرزمین که مبتنی بر برنامه‌ریزی استراتژیک است و با توجه به اینکه باید تمهیدات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور انجام شود، مهارت‌آموزی و آشنایی با مبانی مؤلفه‌های آمایش سرزمین فرصتی را برای تهیه برنامه‌های بلندمدت با رویکرد استفاده از ظرفیت‌های استانی و تعیین سهم مناطق، بخش‌ها و سازمان‌ها در تحقق برنامه‌ها و اهداف بلندمدت استان تهران را فراهم خواهد کرد. در این راستا، پیشنهادهایی چون:

- ایجاد ساختارهای هماهنگی و همکاری بین قلمروهای متعدد و متفرق مدیریت شهری و مدیریت روستایی و نیز بین قلمروهای حکومتی و نهاد های بخشی با هم دیگر در زمینه برنامه ریزی و اجرای استراتژی های فضایی طرح آمایش .

- طراحی ساختار مدیریت سرزمین بر اساس تنوعها و تفاوت‌های استان‌های کشور و رفع تداخل بین نهادهای منتخب و منتصب در سطوح استانی و شهرستانی

- تهیه مدل‌های مناسب برای مکان‌دار نمودن فعالیت‌ها، به اشتراک گذاشتن داده‌ها در استان.

- ایجاد زمینه قانونی پشتیبان تهیه طرح‌های آمایش استانی و تعریف جایگاه قانونی آن.

- رفع تداخل بین نهادهای منتخب و منتصب در سطوح استانی و شهرستانی

- برقراری نظام همکاری مشترک بین سطوح مختلف ملی، استانی و محلی در استان به خصوص در حوزه انجام پروژه های مشترک در بخش حمل و نقل و زیست محیطی.
- پایبندی به اهداف و سیاست های آمایش.
- بازنگری در قوانین و مقررات (ضوابط ۱۵ ماده ای ملی آمایش سرزمین).
- تبیین جایگاه قانونی برنامه آمایش استان از طریق تهیه و تصویب "آیین نامه چگونگی ایجاد سازوکارهای لازم جهت نهادینه نمودن نگرش آمایشی در دستگاه های مختلف و برقراری پیوند لازم بین اسناد ملی آمایشی با طرح های کالبدی ملی و منطقه ای، طرح های توسعه و عمران منطقه ای، طرح های مجموعه شهری و سایر طرح های راهبردی - ساختاری در سطوح ملی، منطقه ای و محلی " توسط هیئت وزیران".
- در گیرکردن مراکز علمی و دانشگاهی جهت ایده پردازی در زمینه برنامه های توسعه و آمایش سرزمین.
- طراحی نظام قانونی تهیه، بررسی و تصویب و اجرا و بازنگری طرح های آمایش و رفع ابهامات قانونی در این زمینه
- تدوین و تصویب آیین نامه نحوه تهیه، اجرا، پایش و بازخورد برنامه آمایش استان با تأکید بر جنبه های نهادی آن پیش از پایان مراحل تصویب برنامه آمایش استان.
- توجه بیشتر به پتانسیل های نهفته در تقویت جایگاه شورای برنامه ریزی و توسعه استان و شورای استان تهران
- تلاش در راستای مشارکت دادن دستگاه ها و بخش ها در تدوین و اجرای برنامه ها و تعامل و استفاده مطلوب از این تحولات.
- استفاده از ظرفیت نیروی انسانی با تحصیلات بالا در نظام مدیریت استان و ظرفیت بالای تحقیقاتی و برنامه ریزی دانشگاهی و مراکز آموزش عالی جهت تهیه و پیشبرد برنامه های توسعه استان
- افزایش کارایی و بازدهی اقتصادی فعالیت های استان های پیرامونی و مرکزی باهدف بهره مندی مناسب از ظرفیت ها و فرصت های توسعه مانند توجه به فعالیت های مکمل و تخصصی در استان ها، نوسازی و اصلاح ساختاری فعالیت های مهم اقتصادی هر استان با توجه به اینکه در شرایط فعلی و بر اساس مطالعه انجام شده بین استان های کشور عدم تعادل های زیادی به جهت شاخص های مختلف توسعه وجود دارد این راهبرد در توسعه سرزمینی بسیار مؤثر و بااهمیت است.
- کاهش محرومیت ها بالأخص در مناطق روستایی استان باهدف رفع محرومیت و حمایت از اقشار نیازمند جامعه.
- محور قرار دادن ایده "منطقه عملکردی و گرهی تهران" در برنامه ریزی فضایی استان به دللیلی همپوشی تقریباً کامل آن با قلمرو استان تهران.
- فراهم کردن زمینه مشارکت گسترده تر نهادهای دولتی و عمومی در مراحل مختلف برنامه آمایش استان تهران با تأکید بر نهادهای استانی و نیز نهادهای محلی.

منابع

۱. اصغر پور، محمدجواد (۱۳۸۷)، «تصمیم‌گیری‌های چند معیاری»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. اکبری، نعمت‌الله و مهدی زاهدی کیوان (۱۳۸۷)، «کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه»، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۳. اکبری، یونس، ایمانی جاجرمی، حسین، رستمعلی‌زاده، ولی اله (۱۳۹۵): فصلنامه علمی-ترویجی سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۵-۱۳.
۴. تقوایی، مسعود، رضانی، علیرضا (۱۳۸۴): تحلیلی بر روند تحولات شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال بختیاری، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ویژه جغرافیا، شماره ۱، جلد هجدهم.
۵. توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، «آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران»، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۶. توفیق، فیروز (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، موسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
۷. حاتمی نژاد، حسین، سید عباس رضایی، فاطمه سالاروند و ایرج تیموری (۱۳۹۴)، «ارزیابی تناسب کاربری اراضی از طریق مدل توان اکولوژیک در استان اردبیل باهدف آمایش سرزمین»، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۶-۵.
۸. حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری (۱۳۸۳)، «شهرنشینی در ایران»، تهران، انتشارات آگاه.
۹. حسین‌خان قندهاری، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «آمایش سرزمین، گذشته، حال و آینده»، مجله برنامه، شماره ۳۴۵، صص ۱۴-۶.
۱۰. خنیفر، حسین (۱۳۸۹)، درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران». آمایش سرزمین، ۲ (۲)، صص ۵-۲۶.
۱۱. رضایی، رحیم (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی آمایش سرزمین»، اولین همایش علوم جغرافیایی ایران، دانشگاه تهران.
۱۲. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۸)، اصول و روش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۱۳. سرور، رحیم و میر نجف موسوی (۱۳۹۵)، موانع و تنگناهای آمایش سرزمین در ایران، فصلنامه انجمن جغرافیا، در نوبت چاپ، بهار.
۱۴. سلطانی، ناصر (۱۳۹۲)، ارزیابی موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره هفدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۴-۸۴.
۱۵. صالحی، اسماعیل، فرزام، پور اصغر سنگاچین (۱۳۸۸): تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۲، صص ۱۴۹-۱۸۱.
۱۶. صنیعی، احسان (۱۳۹۰)؛ آمایش سرزمین راهی به سوی تعادل نظام شهری و توسعه‌یافتگی، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۰، صص ۱۸۰-۱۶۹.
۱۷. ضیا توانا، محمدحسن (۱۳۸۳)، «جغرافیای اجتماعی تجلیگاه میان دانشی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷، صص ۳۳-۱۷.
۱۸. کلاتری خلیل و عبدالله زاده غلامحسین (۱۳۹۴)، برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، انتشارات فرهنگ صبا، چاپ سوم.
۱۹. محمودی، سید محمد (۱۳۸۸): «تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه»، مجله آمایش سرزمین، سال اول، شماره اول، صص ۱۸۰-۱۴۱.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری نفوس و مسکن سال.
۲۱. مؤمنی، مهدی، مبارکی، مهدی، جنابی، نرگس (۱۳۹۲)، آمایش سرزمین و مدیریت توسعه فضایی؛ مورد مطالعه: شهرستان ملکان، مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۲، صص ۴۶-۵۶.
۲۲. وردی نژاد، فریدون و حسین آش‌تیانی (۱۳۸۹)، «آمایش سرزمین»، مجله مدیریت شهری، شماره ۷۲، صص ۴۵-۶۸.